



## رابطه عرفان، فلسفه و قرآن در اندیشه علامه حسن زاده آملی

پژوهشگر عرفان اسلامی اظهار کرد: مرحوم استاد حسن زاده با استفاده از آموزه‌های اهل بیت (ع) و نگاه امامیه به زیبایی به رابطه بین عرفان و فلسفه و قرآن اشاره می‌کند. با این اوصاف رهیافت استاد در حوزه عرفان، رهیافت وجودی است که با آموزه‌های اهل بیت (ع) و قرآن سازگاری دارد.

پژوهشگر عرفان اسلامی اظهار کرد: مرحوم استاد حسن زاده با استفاده از آموزه‌های اهل بیت (ع) و نگاه امامیه به زیبایی به رابطه بین عرفان و فلسفه و قرآن اشاره می‌کند. با این اوصاف رهیافت استاد در حوزه عرفان، رهیافت وجودی است که با آموزه‌های اهل بیت (ع) و قرآن سازگاری دارد.

اسماعیل منصوری لاریجانی، پژوهشگر عرفان اسلامی

به گزارش خبرنگار ایکن، نشست «قرآن، عرفان و برهان از هم جدایی ندارند» امروز سه شنبه ۱۱ آبان ماه، به مناسبت چهلمین روز درگذشت مرحوم علامه حسن زاده آملی، با سخنرانی اسماعیل منصوری لاریجانی، از شاگردان ایشان و پژوهشگر عرفان اسلامی برگزار شد. در ادامه متن سخنان وی را بخوانید:

اگر موضوع فلسفه، پرداختن به پدیده‌های عالم هستی و مصنوعات و موجودات آن و نسبت و ارتباط آنها با همدیگر است که باید گفت وجه احسن همین موضوعات در قرآن هم وجود دارد. این سینا که ما وی را پدر فلسفه اسلامی می‌دانیم در اواخر عمر خود «اشارات و تنبیهات» را می‌نویسد که اگر ما ندانیم او یک فیلسوف است گمان می‌کنیم که یک عارف این کتاب را نوشته است که حکمت نظری و عملی در آن وجود دارد. همچنین وی رساله معراجیه را می‌نویسد و به زیبایی هم از ادعیه قرآنی استفاده می‌کند و بسیاری از جنبه‌های عرفانی هم در آنها مورد اشاره قرار گرفته است.

این سینا؛ پایه گذار اصلی حکمت اشراق

اینکه گفته می‌شود پایه گذار مکتب اشراق، شیخ شهاب الدین سهرودی است حرف درستی نیست بلکه این سینا پایه گذار این مکتب است و سهرودی راه وی را ادامه می‌دهد. سهرودی در حکمت اشراق خود از مکاشفات در بستر ساختار فلسفی سخن گفته است و البته این یکی از شبیهاتی است که نسبت به این نوع از فلسفه مطرح می‌شود. حال سوال این است که آیا در فلسفه، استلزام مراعات همه گزاره‌ها وجود دارد یا خیر؟ به لحاظ تاریخی گفته شده که فلسفه از یونان به جهان اسلام آمد و برخی معتقدند باید همان ساختار ارسطویی رعایت شود اما معتقدم این نگاهی ضد فلسفی است چراکه بازیگر اصلی عرفان، کلام و فلسفه، همانا عقل است و لذا نمی‌توانیم عقل را در موضوع خاصی محدود کنیم.

شاهکار ملاصدرا این است که این مرد به آسیب‌ها و چالش‌های این عرصه یعنی فلسفه آشنا بود و با زیبایی این مشکلات را با استفاده از آیات قرآن و روایات معصوم برطرف کرده است و اساساً حکمت از اینجا متولد شد. حتی «حکمت اشراق» یک اصطلاح عرفانی است و فلسفی نیست. در سفرهای طولانی و ریاضت‌های جانکاه است که انسان، صیاد حکمت الهی می‌شود. بنابراین همه متوجه شدند که فلسفه یونان در سایه معارف قرآنی و حکمت علوی، جایگاه خود را ارتقا بخشیده است و مرحوم استاد حسن زاده هم در کتاب بسیار نفیس خود یعنی «قرآن، عرفان و برهان از هم جدایی ندارند» به خوبی به این موضوع اشاره کرده‌اند.

نگاه عرفانی استاد حسن زاده آملی

آنهایی که می‌گویند ایشان متشرع فلسفه دان بوده‌اند باید توجه کنند که ایشان عارف هم بوده‌اند. مرحوم استاد حسن زاده آملی در آغاز این کتاب با استفاده از شواهد قرآنی این موارد را به درستی پیوند می‌زند. در آیه ۱۷۴ سوره نساء آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأُنزِلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا؛ ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی (محکم) آمد، و نوری تابان به شما فرستادیم» برهان یکی از نام‌های قرآن و حتی از نام‌های خداست. برهان نشانه‌ای هم از طرف خداست و همانگونه که خداوند به ما حس بویایی، چشایی و ... داده، حس معرفت هم داده است.

مرحوم علامه حسن زاده، فیلسوف ورزیده‌ای است که همه عرصه‌ها را چشیده و تسلط عجیبی هم بر آموزه‌های قرآنی و عرفانی دارد. حکمت اشراق می‌خواهد بگوید که نور الانوار چگونه بر قلب سالک تابش می‌کند و این نور را با نورهای زمینی یا خورشید نباید مقایسه کرد. نور مبین همان است که خداوند بر قلب انسان جاری می‌کند. وی ریاضت زیادی کشیده است و در سن ۲۸ سالگی که خواستند وی را اعدام کنند گفت من همیشه به تشنگی و گرسنگی علاقه دارم و لحظه‌ای را به یاد ندارم

که سیر باشم یا تشنه نباشم. حال سؤال این است که گزارش هایی که وی می دهد حجت است یا گزاره فلاسفه ای که ارتباطی با متافیزیک ندارند؟ اخلاقی ترین فیلسوف در جهان غرب، کانت است که اگر کتاب «تمهیدات» وی را بخوانید به این موضوع پی می برید که چقدر اخلاقی است اما وی هم می گوید که من نمی توانم به متافیزیک توجه نکنم. اساساً خود عقل، متافیزیک است و چیزی مادی نیست بلکه امری مجرد است یعنی اگر عقل از غیب نیامده باشد هیچ ادراکی ندارد بلکه اتصالی بی تکلف از سوی خداوند به انسان است. عقل، پیامبر باطن است و هیچگاه منسوخ نمی شود. اینها را باید به فرزندان خود هم درس دهیم.

#### اهمیت ارتباط فلسفه با متافیزیک

فیلسوف باید از آغاز و انجام هستی با انسان صحبت کند اما چون برخی فیلسوفان رویکرد اومانستی دارند هیچ وقت نمی توانند به چیزی فراتر از آن فکر کنند لذا از همه اساتید فلسفه درخواست دارم که اگر می خواهید نقد درستی از فلسفه غرب داشته باشید بین وجود و موجود تفاوت قائل شوید. مردم از یک فیلسوف، چه الهی و چه پوزیتیویستی باشد انتظار دارند آنچه سخن بگویند که آغاز و انجام را فهمیده باشد.

هانری گربن می گوید به جمله ای از حضرت امیرالمؤمنین(ع) برخوردم و تاثیری که این جمله بر من داشت چهل سال مطالعه فلسفه و عرفان بر من نگذاشت و آن جمله این بود؛ «إِنَّ قَوْلَنَا إِنَّا لِلَّهِ إِقْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْمُلْكِ وَ قَوْلَنَا وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ إِقْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْهَلْكِ؛ این سخن ما که می گوئیم «ما همه از آن خداییم» افراری است به بندگی، و اینکه می گوئیم «بازگشت ما به سوی اوست» اعترافی است به نابودی خویش. « گربن می گوید این همان چیزی است که من با چندین سلوک نمی توانستم به آن برسم. با این اوصاف، ما فلسفه اسلامی را چه در حوزه ملاصدرا و آثار ارزشمندی همانند اسفار و چه فلسفه اشراق باید با این شکل مورد توجه قرار دهیم که فلسفه اسلامی بستر مناسبی برای تعقل ناظر به گزاره های فلسفی فراهم کرده و آنها را به تکامل می رساند و در این راستا آموزه های قرآنی می تواند یاری گر ما باشد و این موضوع منافی فلسفه اسلامی نیست.

#### بهره گیری از آموزه های اهل بیت برای تبیین رابطه عرفان و قرآن

ما اگر ظاهری داریم، باطنی هم داریم اگر مطلقاً داریم، مقیدی هم وجود دارد. از سوی دیگر یکی از موارد مطرح در آثار مرحوم استاد حسن زاده آملی این است که توجه بیشتر ایشان به شرح فصوص الحکم است. ایشان تلاش می کند در زمینه های مختلفی از جنبه های اخلاقی ناظر به گزاره های فلسفی بپردازد و خودش را هم در بند یکی دو شرح نمی داند مخصوصاً در شرح عربی بر فصوص الحکم، نشان می دهد که در این زمینه بسیار جامعیت دارد. حضرت استاد، هفت دوره فصوص الحکم را، آن هم در فاصله های طولانی تدریس کردند و در هر دوره ای از تعدادی از شارحین استفاده می کردند و یکی از ویژگی های استاد این است که از هر کسی نقل می کند دقیقاً رفرنس را ارائه داده است و احتیاط زیادی هم در این زمینه به خرج داده است.

مرحوم استاد حسن زاده آملی با استفاده از آموزه های اهل بیت(ع) و نگاه امامیه به زیبایی به رابطه بین عرفان و فلسفه و قرآن اشاره می کند. با این اوصاف رهیافت استاد در حوزه عرفان، رهیافت وجودی است که با آموزه های اهل بیت(ع) و قرآن سازگاری دارد و به تکامل وجودی می رسد.